



دیدگاه سلیمان



خداوند مرا در آغاز راه خویش تولد بخشید،

و هر روزه لذت بسیار می‌بردم،
 و همیشه در حضورش پایکوبی می‌کردم؛
 و پایکوبی من در جهان مسکون او
 و لذت من در بنی‌آدم بود.
 «پس حال، ای پسران، به من گوش فرا دهید؛
 خوشا به حال آنان که طریقه‌های مرا نگاه دارند.
 رهنمود را بشنویید و حکیم باشید
 و از آن غفلت نکنید.
 خوشا به حال آن که به من گوش فرا دهد
 و هر روزه بر دروازه‌های من دیده بانی کند
 و بر درم به انتظار بنشیند.
 زیرا هر که مرا یابد، حیات را یافته است
 و لطف خداوند شامل حالش می‌شود.
 اما هر که از یافتن من درم‌اند، بر جان خود زیان
 رسانده است
 و هر که از من نفرت کند، مرگ را دوست داشته
 است.»!

پیش از کارهای خود در زمانهای قدیم.
 من از ازل شکل گرفتم،
 در ابتدا، پیش از آغاز جهان.
 آنگاه که هنوز ژرفاها نبود، من زاده شدم،
 زمانی که هیچ چشمه‌پرآبی وجود نداشت؛
 پیش از آنکه کوهها بر پا شوند،
 پیش از تپه‌ها، من زاده شدم؛
 پیش از آنکه زمین و دشتها را بیافریند
 یا ذره‌ای از غبار جهان را.
 آنگاه که آسمانها را استوار ساخت
 و افق را بر سطح ژرفا نشان گذاشت، من آنجا
 بودم؛
 آنگاه که ابرها را در بالا برنشانید
 و چشمه‌های ژرفا را استوار ساخت؛
 چون بر دریا حد قرار داد
 تا آنها از فرمان او تجاوز نکنند،
 و زمانی که بنیان زمین را نشان گذاشت.
 آنگاه همچون معماری در کنار او بودم

هر چه غیر منتظره اما بیشتریک اتفاق بود، هر چند مردم در مورد آن شگفت زده شدند. این چیزی است که در مورد قیام عیسی می‌توان گفت. اکثر افرادی که از قیام عیسی شنیده اند به شدت ترسیده بودند یا نمی‌توانستند آن را باور کنند. اما هنگامی که آنها در نهایت قیام را درک کردند، شگفتی و سرانجام شادی بزرگ بود که در سراسر جهان منتشر شد. تا امروز، بزرگترین معجزه تاریخ جهان، قیام عیسی مسیح است. و شاعر سلیمان ما را دعوت می‌کند تا از آن لذت ببریم. اما او دیدگاه کاملاً متفاوت می‌دهد. او از قبر عیسی نمی‌آید، اما چشم او قبل از خلقت به عیسی مسیح می‌افتد، که با خدا زندگی می‌کرد. آنچه که سلیمان در اینجا توضیح می‌دهد هیچ چیزی نیست جز وحدت مشترک بین خدای پدر، پسر و روح القدس قبل از خلقت جهان. سلیمان ما را دعوت می‌کند تا ما بتوانیم در مورد خلقت خدا احساس شگفتی کنیم. او ما را دعوت می‌کند تا ما درخشیدن عشق خدا را از آفرینش بتوانیم لمس کنیم. این عشق خدا به کل جهان منتشر شده است و بلاخره به آرامگاه عیسی مسیح رسید. از همان نیرویی که خدا جهان را ایجاد کرد، عیسی را هم از میان مردگان بلند کرد. و این همان قدرت است که هنوز با ما است. ما می‌توانیم از آن شگفت زده باشیم و به خدا ایمان ببوریم.

خدا انقدر شگفت انگیز است و همه چیز را انجام داده است! این چیزی است که علم مدرن از خلقت تایید می‌کند. به عنوان مثال، ماه قطعه‌ای از ماده‌ای نیست که به عنوان یک افزودنی نزدیک دنیا افتاد. نه، ماه دنیا را اثبات می‌کند. و به دلیل ماه دنیا می‌تواند در مدار اطراف خورشید حرکت کند. و دنیا در فاصله مناسب از خورشید ایستاد، به همین دلیل دنیا ی ما خیلی گرم یا خیلی سرد نیست. و آنچه را که می‌توانید در جهان بزرگ مشاهده کنید، حتی در دنیا ی کوچک می‌توانید درک کنید. حتی حیوانات کوچک هم کاملاً هماهنگی با یکدیگر زندگی کنند. علاوه بر نظم فوق العاده، طبیعت به سادگی زیبا است. هر هنرمند می‌داند که امکان پزیر نیست رنگ‌های

مخلوط را تصادفی جمع کند تا بتواند یک اثر هنری ایجاد کند. چیز زیبایی نیاز به یک برنامه دقیق دارد. و شما می توانید ببینید که در خلقت نیز اینگونه است. در اینجا یک خالق فوق العاده مشغول کار بود. خدا، که نه تنها با عقلانیت عظیم کار کرد. هم چنین با عشق و با حس شوخ طبعی و احساس زیبایی هم کار کرده است! ما می توانیم امروز و هر روز برای کار فوق العاده ای خدا تشکر کنیم.

اما در عین حال، خلقتی که خدا آفرید ما را ناراحت می کند. به این دلیل که به طور فزاینده ای، روشن می شود که ما انسانها به تنهایی مسئول تمام نابودی این سیاره زیبا هستیم. هر جا که ما انسانها هستیم یا بوده ایم، هرج و مرج را ایجاد کرده ایم. زباله های پلاستیکی و تخریب گونه های حیوانی از یک طرف و طرف دیگر این است که ما از طریق تغییرات آب و هوایی، فاجعه بعدی را ایجاد خواهیم کرد. حتی فضایی که ما آن را دوست داشتیم خراب کردیم.

آنچه در جهان غلط است، مردم هستند. ضرب المثل های سلیمان باید از ما بخوانند تفکرمان را تغییر دهیم: اراده خدا روشن و خوب است. او با کار خود جهان زیبایی را سازماندهی کرده و آن را ایجاد کرد. انسان خلقت زیبایی دست خدا را خراشیده کرده است و نه تنها از آن استفاده کرده بلکه از آن سوء استفاده کرده است. نتیجه هرج و مرج است. سلیمان می خواهد ما را بیدار کند:

"پس حال، ای پسران، به من گوش فرا دهید؛" او هشدار داد. " رهنمود را بشنوید و حکیم باشید و از آن غفلت مکنید."

سلیمان می خواهد ما را به چالش بکشد تا بر پایه ها که خدا برای ما ایجاد کرده است ایستادگی کند. این هشدار چقدر برای ما انسان مدرن مهم است. از نظر انسان مدرن همه چیز نسبی است. بنابراین ما نه تنها قیام عیسی را انکار می کنیم، بلکه حتی خود خالق را انکار می کنیم.

شاعر سلیمان ما را به جستجوی حقیقت می خواند. او نه تنها به دنبال حقیقت است بلکه این حقیقت را به ما می بخشد. از آنجا که، هر چه نزدیکتر به حقیقت شویم، به خدا نزدیکتر می شویم. مطمئناً عیسی مسیح به سفسطه زمان ما اعتقاد ندارد. او به ما می گوید: "من راه و حقیقت و زندگی هستم" (یوحنا 14: 6). عیسی ادعا می کند که او خود حقیقت است. عیسی می افزاید: "هیچ کس به نزد پدر نمی آید، به جز از طریق من" عیسی به ما نشان می دهد که چه کسی مهمتر از همه است. ما هیچ وقت نمی توانیم دروغ و حقیقت را با هم مخلوط کنیم. ما نمی توانیم به خدا ایمان آوریم و همچنین شیطان را ثابت کنیم. و این دقیقاً همان چیزی است که می بینم دوباره و دوباره اتفاق می افتد. ما مسیحان حقیقت را که در عیسی مسیح است سرکوب می کنیم، زیرا احساسات ما مهم تر از حقیقت عیسی است. دوباره و دوباره از مسیحیانی می شنیدم که از صمیم قلب به عیسی ایمان داشتند، اما بعد از آن تمام ایمان را زیر پا گذاشتند. اغلب دلایل آن کار یک اتفاق کوچک است. فردی از کلیسا بیرون می رود زیرا در مورد کسی دیگر در کلیسا است که احساس ناراحتی می کند. برخی کلیسا را ترک می کنند، زیرا کلیسا بیش از حد خسته کننده و یا قدیمی است. بعضی، کلیسا ترک می کنند زیرا کلیسا بسیار مدرن است. کسی که این کار را انجام می دهد، درس مسیحی را درک نکرده است. حقیقت احساس توهین یا صدمه نیست. خداوند ما را دعوت می کند تا حقیقت کلامش را دنبال کنیم. و این کلام خدا هم در مرکز کلیسا است. احساسات انسانی ما باید تحت کلام خدا دسته بندی شود.

در روزنامه ها و ایستگاه های تلویزیونی در زمان ما، انسان درک می کند که چقدر غیر واقعی و دروغ خطرناک هستند. هر چند، اداراتی وجود دارند که مراقب حقایق و با دروغ هستند و در برابر گزارش های دروغین عمل می کنند. شاعر ضرب المثل ها از حقیقی سخن می گوید ما نزد دروازه بانی که در درون دروازه ایستاده است و اطمینان حاصل می کند که هیچ چیز ناخواسته وارد نمی شود. همه ما به دنبال حقیقت هستیم و احتیاج به اطمینانی داریم که ما در مقابل خرابی ها محافظت کند. در اینجا ما از خود سوال می کنیم: آن کیست؟ و چه کسی یا چه چیز مهمترین چیز در زندگی من است؟ عیسی خود را به ما قول می دهد که او عین حقیقت است. و این حقیقت ما را آزاد خواهد کرد. آمین.